

# عنوان مقاله: بازتاب پیام های خانواده و مدرسه و تلویزیون در زندگی کودکان

نویسنده: مرتضی کتبی

منبع: نامه علوم اجتماعی ۱۳۵۵. شماره ۵.

صفحه ۷۱-۱۰۳

## مقدمه

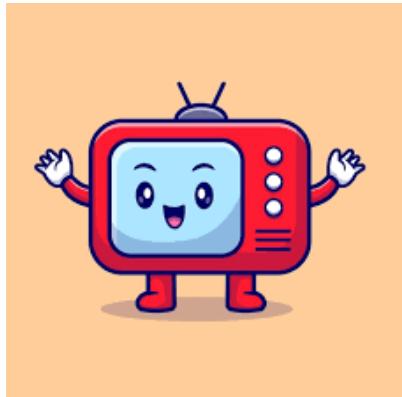
- شتابی که به علی در این تحقیق به کار رفت موجب گردید که با همه احتیاطی که در کار نمونه گیری و تکمیل و استخراج پرسشنامه ها و کد بندی و کدگذاری پاسخ ها به کار برده شد. نتوانیم تمامیت فنی و علمی آن را صد درصد تضمین نماییم و کلیه اطلاعات جمع اوری شده را تجزیه و تحلیل کرده مورد استفاده قرار دهیم. با وجود این می توان ادعا کرد که استخراج و تفسیر مطالب حاضر با وسوس اعلمی توأم بوده است.

استخراج پرسشنامه ها و کد بندی و  
کدگذاری پاسخ ها

- این تحقیق شامل دو بخش است:
- ۱- جمع اوری **اطلاعات عینی** درباره مشخصات خانواده های مورد نظر و بررسی کیفیت و کمیت آوقات فراغت کودکان.
- ۲- مطالعه احساس کودکان نسبت به روابطی که با مرکز پیام های فرهنگی دارند از یک سو و بررسی ادراک آنها از ارتباط این مراکز با یکدیگر از سوی دیگر.

ارتباط این مراکز با یکدیگر

• در این گزارش خواننده باید دائما در ذهن خود به این نکته توجه داشته باشد که هر بار سخن از کودکان می رود، منظور کودکان خانواده های تهرانی هستند نه کودکان به طور اعم . اگر می توانستیم ضمن مطالعه ای **تفاوت های موجود بین کودکان تلویزیون دار و بی تلویزیون شهر تهران** را بشناسیم مسلما بسیار جالب تر می بود.



# شرایط تحقیق

- هدف تحقیق، مطالعه گرایش های کودکان نسبت به فرهنگ محیط است. در جامعه ما کودک در معرض پیام های سه منبع اصلی خبر قرار دارد: خانواده مدرسه و وسائل ارتباط جمعی. برای شناخت تاثیر این پیام های سه گانه بر کودک و مطالعه بازتاب آنها در زندگی وی باید به پرسش های زیر توجه داشت:



- ۱- خانواده
- ۲- مدرسه
- ۳- وسائل ارتباط جمعی



- ۱- سهم هر یک از سه منبع فوق در حیات کودک چیست؟
- ۲- در صورت ناهمانگ بودن محتوای پیام ها، ادراک کودکان از این ناهمانگی چگونه است؟
- برای یافتن پاسخ این دو سوال مادر و کودک را مورد پرسش قرار داده ایم. مشخصات خانوار و صرف اوقات فرزند را از مادر پرسیده ایم و احساس کودک را نسبت به خانواده و مدرسه و تلویزیون مشاهده و مطالعه نموده ایم، سپس برای آنکه مفهوم اختلاف سطح فرهنگی را روشن تر سازیم ادراک طفل را نسبت به رابطه بین بزرگترها و جنبه های گوناگون عوالم آنها مورد بررسی قرار داده ایم. به طور کلی ارتباط بین عقاید خانوادگی از یکسو و پیام های تلویزیونی و آموزش دبستانی از سوی دیگر و نیز مقایسه مقام طفل در خانواده و مدرسه فصول این بررسی را تشکیل می دهد.

• ۸۰۰ خانوار از ۶۵۰۰۰ خانوار تهرانی به طریق نمونه گیری تصادفی انتخاب شد و تعداد نمونه ها متناسب با **تعداد خانوارهای نواحی ده گانه تهران** محسابه گردید. با این که پرسشگران خانوارها را حتی الامکان از تمام نواحی انتخاب کرده اند ولی شک نیست که خانوارهایی را بیشتر مورد تحقیق قرار داده که علاوه بر داشتن شرایط لازم پرسشگران را با **گشاده رویی** به داخل منزل پذیرفته اند.



- **شرايط چهار گانه** لازم برای انتخاب خانوارها به شرح زير بوده است:
  - ۱- داشتن حداقل يك دستگاه تلویزیون
  - ۲- داشتن حداقل يك فرزند ۷ تا ۱۲ ساله محصل (در صورتی که تعداد فرزندان واجد شرایط بيش از يك نفر باشد بزرگترین آنها انتخاب می شود)
  - ۳- زنده بودن پدر و مادر کودک پاسخگو
  - ۴- مسلمان بودن خانوار



- باید تذکر داد که توزیع بر حسب ناحیه تعداد خانوارها را در **طبقات مختلف اجتماعی** بدست داده است. نمونه گیری بدون توجه به میزان درآمد خانوارها انجام گرفته است. زیرا به ناچار فقط خانوارهای تلویزیون دار را انتخاب کرده ایم.
- اگر قبول کنیم که خانواده هایی که تلویزیون دارند مرتفه تر از دیگرانند انتخاب خانواده های تلویزیون دار بیانگر این است که در جمع مردم ناحیه های جنوبی شهر مرتفه ترین آنها را برگزیده ایم. بنابراین نمونه های این نواحی بیشتر نماینده مردم مرتفه تر این مناطق هستند نه مردم فقیر تر.
- ولی تقاطع اطلاعات با متغیرهایی از قبیل شغل پدر و میزان درآمد خانوار تا حد زیادی این نقیصه را جبران می نماید.

# روش تحقیق

- این تحقیق بر اساس پرسشنامه با **سوالات بسته و باز** به صورت مصاحبه انجام شده است بخشی از پرسشنامه یا پاسخ های مادر و بخش دیگر از پاسخ های فرزند پر می شده است.
- دستورالعمل پرسشگران به قرار زیر بوده است:
  - ۱- کودک را در تنها یی مورد پرسش قرار دهید.
  - ۲- از هر گونه بحثی در طول مصاحبه حذر کنید و به حداقل توضیحات درباره بعضی سوالات پیچیده اکتفا نمایید.
  - ۳- در صورت عدم آمادگی طفل برای پاسخگویی از مصاحبه صرف نظر کنید.

## استخراج اطلاعات

- اطلاعات ۸۰۰ پرسشنامه بروی کارتهای آی بی ام برده شد سپس به سبب پیش آمدن تعطیلات تابستانی و برای جلوگیری از اتلاف وقت در مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه C.N.R.S برنامه ریزی و استخراج گردید.
- این تحقیق در مرداد ماه ۱۳۵۲ در شهر تهران انجام گرفت و تنظیم گزارش ها در مهر ماه همان سال پایان پذیرفت.



# احساس کودکان نسبت به کانون خانواده

- برای توجیه احساسات کودکان نسبت به خانواده عامل اساسی پاسخ های آنان است. زیرا به ما امکان می دهد تفاوت احساسات آنها را تشخیص بدهیم. ۴۵/۹ درصد کودکان اظهار داشته اند از معلم خود بیشتر حرف شنوی دارند. در حالی که ۵۲/۱ درصد آنها در این زمینه پدر را برابر معلم مقدم شمرده اند. بنابراین ما با **دو دسته کودک** سرو کار داریم:
- ۱- کودکانی که به خانواده بستگی زیاد دارند و تا حدود زیادی تحت تاثیر فرهنگ خانوادگی هستند.
- ۲- آنهایی که از قالب خانه و خانواده پا را فراتر گذاشته و از فرهنگ مدرسه و تجدد اجتماعی متأثرند.

• مطالعه وضع کودکان دسته دوم برای ما جالب است باید دید ه تخت شرایط حرف شنوی و متابعت از یک مرجع به مرجع دیگر تغییر می یابد. به ظاهر سن در این تغییر موثر می نماید، زیرا در ایران چون در سنین پایین جنبه های عاطفی زندگی خانوادگی بر مشکل پسندی های تربیتی که در سنین بالا نزد در مورد فرزند پیدا می شود، غلبه دارد لذا مدرسه و معلم از ابتدا در ذهن کودک مظهر انضباط و قدرت جلوه می کند. مفهوم حرف شنوی در دنیای مدرسه بیشتر از دنیای خانه مصدق قدرت تغییر ناپذیر می ماند عادت می کند. بر عکس خانواده را که در سنین بالا نسبت به فرزندان خود سختگیر است قادرمند تر حس می کند **در نتیجه حرف شنوی او از پدر شدت می یابد.**

## جدول زیر تغییرات سنی کودک را در رابطه با پدر و معلم نشان می دهد.

توزيع نسبی حرف شنی کودکان از پدر یا معلم بر حسب سن

سن	معلم	پدر	جمع	تعداد پاسخگو
۷ ساله	%۵۹/۱	%۴۰/۹	۱۰۰	۶۶
۸ ساله	۵۱/۲	۴۸/۲	۱۰۰	۱۱۵
۹ ساله	۵۰/۹	۴۹/۱	۱۰۰	۱۱۴
۱۰ ساله	۴۲/۷	۵۷/۳	۱۰۰	۱۵۰
۱۱ ساله	۴۶/۶	۵۳/۴	۱۰۰	۱۷۴
۱۲ ساله	۳۶/۵	۶۳/۵	۱۰۰	۱۸۱
جمع	%۴۵/۹	%۵۴/۱	۱۰۰	۸۰۰
تعداد پاسخگو	۳۶۷	۴۳۳	۸۰۰	

• می توان حدس زد که در مورد میزان تحصیلات پدر نیز وضع چنین است. **هر چه پدر باسوا  
تر باشد فرزندان بیشتر به سوی جلب او می شوند.** توازن بین خانه و مدرسه فقط در مورد  
پدرانی که تحصیلات ابتدایی دارند برقرار می گردد ( معلم ۴۹/۶ و پدر ۵۰/۴ )

### جدول ۳

#### توزيع نسبی حرف‌شنوی کودکان از پدر یا معلم بر حسب میزان تحصیلات پدر

میزان تحصیلات پدر	معلم	پدر	جمع	تعداد پاسخگو
بیسوارد	% ۵۶/۳	% ۴۲/۷	۱۰۰	۱۱۹
تا پایان دوره ابتدائی	۴۹/۶	۵۰/۴	۱۰۰	۲۳۷
سیکل اول	۴۴/۲	۵۵/۸	۱۰۰	۱۱۳
دبیلم	۴۵/۵	۵۴/۵	۱۰۰	۱۲۳
بالاتر از دبیلم	۲۵/۰	۷۵/۰	۱۰۰	۱۰۸
جمع				۸۰۰
تعداد پاسخگو		۴۳۲	% ۵۴/۱	۸۰۰
		۳۶۷		

## نتیجه:

- در ذهن کودکان موقعی بین پدر و معلم از لحاظ اعمال قدرت **توازن** برقرار می شود و تفاوت این دو به حداقل می رسد که پدرانشان فقط کاسبکار باشند یا صرفا تحصیلات ابتدایی داشته باشند تصویر تازه ای که با این تحقیق از آموزگار می توان عرضه کرد این است که آموزگار از لحاظ پایگاه اجتماعی در ذهن کودکان بردبار با یک کاسبکار یا کسی است که شش کلاس درس خوانده است.



# احساس کودک در خانه

- از کودکان سوال شده است «آیا منزل تو خوبست؟ از آن راضی هستی؟» کوشش شده است تا ضمن دریافت پاسخ حالت کودک نیز به هنگام جوابگویی مورد مطالعه قرار گیرد و از صحت پاسخ او اطمینان حاصل شود. گفتار ۸۱ درصد از کودکان با رفتار آنها مطابقت داشته است از این عده ۷۷/۶ درصد اظهار رضایت و سه چهار درصد اظهار ناراحتی و نارضایتی کرده اند. ۱۹ درصد بقیه در اظهار رضایت از منزل تردید نشان داده اند و به نحوی ناراحتی خود را از وضع موجود ابراز داشته اند.



- شناختن آن کودکان و شرایط زندگی آنان برای شناخت محیط فعلی خانواده در تهران و **بستگی آن به محیط اجتماعی** حائز اهمیت فراوان است. مطالعه میزان درآمد خانوار که تا حدودی معرف شغل و میزان تحصیلات والدین و نوع محل اقامت آنهاست. می تواند ما را در این امر روشن نماید.

• قبل از هر نتیجه گیری بهتر است به مطالعه جدول زیر پردازیم.

جدول ۴

توزیع نسبی میزان رضایت کودکان از منزل بر حسب درآمد خانوار.

میزان درآمد خانوار	رضایت از منزل	تردید	عدم رضایت از منزل	جمع	تعداد پاسخگو
کمتر از ۵۰۰۰ ریال	%۵۷/۱	%۴۲/۹	%۰/۰	۱۰۰	۱۴
از ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ ریال	۶۴/۹	۳۲/۸	۲/۳	۱۰۰	۱۳۱
از ۱۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ ریال	۷۸/۴	۱۷/۵	۴/۱	۱۰۰	۵۴۵
بیش از ۵۰۰۰۰ ریال	۹۰/۰	۸/۲	۱/۸	۱۰۰	۱۱۰
جمع تعداد پاسخگو	%۷۷/۶	۱۵۲	%۱۹/۰	%۳/۴	۸۰۰
	۶۲۱			۲۷	۸۰۰

## نتیجه

- الف) عدم رضایت از منزل نزد کودکانی رایج است که خانواده های آنها درآمد متوسط دارند. کودکان بسیار فقیر (درآمد کمتر از ۵۰۰۰ ریال) و فرزندان اغنية (درآمد بیش از از ۵۰۰۰۰ ریال) کمتر اظهار عدم رضایت از منزل خود می کنند.
- ب) در خانواده های بسیار فقیر ضمن این که کودکان از وضع منزل ناراضی نیستند اظهار رضایت آنها از منزل نیز با تردید و دودلی آمیخته است.
- ج) هر چه درآمد خانواده بیشتر شود کودک بیشتر اظهار رضایت می کند.

- جدول تقسیم خانواده نسبت به درآمد و موقعیت آنان در جامعه مصرفی تهران به قرار زیر است:
- ۱- خانواده های کم درآمد که در برابر جامعه متحوال و مصرفی، تقریباً بی تفاوت و به اصطلاح به وضع خود قانع اند.
- ۲- خانواده های با درآمد متوسط که شدیداً تحت تاثیر تحولات جامعه و زندگی مصرفی قرار گرفته اند و در حالی که برای بهتر وضع کردن مادی خویش می کوشند به وضع دیگران غبطه می خورند.

۱- تحولات جامعه  
۲- زندگی مصرفی

• ۳- خانواده های پردرآمد از نظر مصرف به سر حد اشباع و ارضا نزدیک شده اند در صفحات آینده خواهیم دید که هر چه کودکان از طریق خانواده خود بیشتر در معرض زندگی مصرفی قرار بگیرند و بیشتر بتوانند حوالی خود را ارضا کنند، راضی تر به نظر می رسند. نارضایی کودکان از منزل نشانه وجود ناراحتی افراد منزل در راه وصول به زندگی بهتر است. انگیزه این ناراحتی تلاش مداومی است که در راه کسب امتیازات مادی بیشتر و رفع نیازهای روزافزون صورت می گیرد.

- جدول مشاغل چهارگانه این واقعیت را نشان می دهد.
- فرزندان کارگران کم درآمد با جامعه مصرفی کمتر تماس دارند و بالنتیجه احساس نیازهای زیادی در آنان به وجود نمی آید. بنابراین از وضع خویش راضی هستند ولی در ابراز رضایت تردید بسیار نشان می دهند. **اظهار عدم رضایت در این کودکان عملاً وجود ندارد.**

- فرزندان کارمندان و کسبه با درآمد متوسط با جامعه مصرفی تماس دارند در نتیجه احساس نیاز در آنها به وجود می آید ولی کاملاً ارضانمی شود.
- بنابراین این دسته از وضع منزل رضایت بیشتر دارند و کمتر تردید نشان می دهند فرزندان کارمندان عالی رتبه، قضات، پزشکان و صاحبان سایر مشاغل که با درآمد بالا، **وارد جامعه مصرفی می شوند** نیاز فراوان دارند که اغلب ارضانمی شود.
- بنابراین انان از وضع منزل بسیار راضی اند و بسیار کمتر تردید نشان می دهند. عدم رضایت این کودکان به ندرت دیده می شود.

- **نتیجه:** در تهران نیز مانند سایر جامعه های سلسله مراتبی طبقات متوسط آشفته ترین و ناراحت ترین وضع را دارند. اختلال و بی نظمی در موقعیت اجتماعی و خانوادگی این طبقه بر کودکان شان نیز اثر گذاشته و آنها را دچار تزلزل خاطر، ناراحتی و تردید ساخته است.
- علاوه بر تاثیر وضع طبقاتی بر احساس کودک از محیط زندگی در جامعه مردانه کشور ما جنس کودک نیز در موقعیت عاطفی و روانی او بی تاثیر نیست. ارقام زیر شاهد این واقعیت است:

نارضائي

%٤٠/٧

٥٩/٣

١٠٠

٨٠٠

رضایت خاطر

%٥٥/٨

٤٤/٢

١٠٠

٨٠٠

پسر

دختر

جمع  
تعداد پاسخگو

- به طور کلی دخترها غصه خورتر و نسبت به وضع خانواده حساس ترند. پسرها کمی بودهای و ناراحتی را با رفت و آمد در کوچه و رفیق بازی تا حدی جبران می کنند ولی دخترها که بیشتر در خانه می مانند و به مادر نزدیکترند خود را پیابند تر و ناچارتر حس می کنند.

# تغییر در منزل

- از کودکان و پدران سوال شده است که «اگر قرار باشد در منزل آنها تغییری داده شود به نظر آنها بهتر است این تغییر چگونه باشد؟»
- پاسخ ها را می توان به ترتیب زیر عرضه نمود:

پاسخ	نمیداند	از نظر کودکان	از نظر پدران
تفصیری نکند	تفصیر در مورد ساختمان باشد ( تعمیر ، دکوراسیون ، گلخانه ، استخر ، وسایل بازی و غیره . . . . )	% ۶/۴ ۱۳/۵	% ۳۲/۶ ۸/۰
تفصیر در جهت وسعت منزل باشد ( حیاط ، تعداد اطاق و غیره . . . . )	۴۸/۸	۲۶/۹	۳۴/۸
تفصیر در جهت بهبود محله باشد	۴/۴	۱۷/۹	۶/۷
جمع تعداد پاسخگو	۱۰۰	۱۰۰	۸۰۰

پرسشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رئال صالح علوم انسانی

• به این ترتیب ۸۰/۹ درصد کودکان فکر حداقل یک تغییر را در سر می پروانند. در این تغییرات فقره سوم که در مورد وسازی منزل، دکوراسیون، ایجاد استخر و دیگر مظاهر تازه زندگی است (کودک ۴۸/۸ و پدر ۲۴/۷) جالب توجه است. از طرف دیگر باید دانست ۵۹/۳ درصد کسانی که از منزل خود اظهار نارضائی کرده بودند خواستار چنین تغییراتی بوده اند.

- بیشتر کسانی که از هیچ گونه تغییری نام نبرده اند. کسانی هستند که از منزل خود اظهار رضایت نموده اند فی الجمله  $\frac{22}{2}$  درصد آنها از منزل خود رضایت داشته اند و  $\frac{9}{2}$  درصد تردید نشان داده اند و فقط  $\frac{3}{7}$  درصد آنان اظهار عدم رضایت از منزل خود کرده اند. حال باید دید تغییرات مذبور با میزان درآمد خانوار چه ارتباطی دارد؟



## جدول ۵

توزيع نسبی تغییرات پیشنهادی کودک درباره منزل بر حسب صیزان درآمد

خانواده

صیزان درآمد	نمایند	تغییری نکند	تغییر در ساختمان	تغییر در جمیت و سعت منزل	تغییر در جمیت سهیود محله	جمع
بیش از ۵۰۰۰۰ ریال	%۷/۱	%۱۴/۲	%۴۲/۹	%۱۴/۳	%۶۱/۴	۱۰۰
از ۵۰۰۱ تا ۱۰۰۰۰ ریال	۷/۶	۸/۴	۴۹/۶	۳۲/۱	۲/۲	۱۰۰
از ۱۰۰۱ تا ۱۵۰۰۰ ریال	۴/۸	۹/۲	۵۴/۹	۲۹/۰	۲/۱	۱۰۰
از ۱۵۰۰۱ تا ۲۰۰۰۰ ریال	۴/۰	۱۶/۸	۴۸/۸	۲۴/۰	۶/۴	۱۰۰
از ۲۰۰۰۱ تا ۳۰۰۰۰ ریال	۲/۶	۱۰/۷	۶۰/۰	۲۲/۰	۴/۷	۱۰۰
از ۳۰۰۰۱ تا ۴۰۰۰۰ ریال	۶/۵	۲۰/۱	۴۸/۹	۲۰/۲	۴/۲	۱۰۰
بیش از ۴۰۰۰۰ ریال	۱۵/۵	۱۶/۴	۳۹/۰	۲۵/۰	۳/۶	۱۰۰
جمع پاسخگو	۵۱	۱۰۸	۲۹۱	۲۱۵	۲۵	۸۰۰
تغییر از ۵۰۰۰۰ ریال	۷/۱	۱۴/۲	%۴۲/۹	%۲۶/۹	%۴۱/۴	۱۰۰

- ۱- پیشنهاد تغییر در جهت بهبود محله بیشتر در محلت کارگری دیده می شود (۲۱/۴ درصد) یک نوع تمایل به ارتقا اجتماعی از طریق مسکن در نزد این طبقه مشهود است.
- ۲- میل به تغییر ساختمان، در خانواده هایی که درآمد متوسط دارند بیشتر وجود دارد (۶۰ درصد) در این جا می توان گفت بهبود وضع خانه از نظر وسایل جدید زندگی نسبت به سایر تغییرات بیشتر توجه کسانی را که در راه تحصیل ثروت افتد و به اصطلاح قشرهای متوسط طبقاتی ما را تشکیل می دهند، به خود جلب می کنند. در نزد این طبقه یکی از راه های کسب حیثیت نوسازی منزل و وارد کردن مظاهر زندگی شهری و غربی در خانه است.

• ۳- اعضای خانواده های کم درآمد از تنگی جا شکایت داشته اند. این موضوع برای خانواده های بسیار کم درآمد صادق نیست. (جدول بالا) چه اولاً ممکن است این خانواده ها امیدی به تغییر در جهت وسعت منزل خود نداشته باشند و اصلاً آن را به عنوان نکنند **ثانیا** تصور می کنند با تغییر محله در وضع مسکن آنها نیز بهبود حاصل خواهد شد.

## روابط افراد در خانواده

- در برابر این سوال که «آیا افراد خانواده شما با هم موافقند یا اختلاف دارند؟» کودکان چنین پاسخ داده اند:

%۶۸/۳ افراد خانواده با هم موافقت کامل دارند

%۱۰/۲ افراد خانواده با هم اختلاف دارند

%۲۱/۵ افراد خانواده کم و بیش اختلاف دارند

---

۱۰۰

۸۰۰



جمع

تعداد پاسخگو

• ۳۱/۷ درصد کودکان (نژدیک به یک سوم آنها) نه تنها از اختلاف بین افراد خانواده خود باخبرند بلکه **آن را به نحوی نشان می دهند**. در پاسخ به سوال دیگر ۱۳/۴ درصد کودکان آرزو کرده اند که تفاهم و سازش بین افراد خانواده آنها برقرار شود. اگر تعداد کودکانی را که میل دارند عضوی از خانواده آنها کم شود (۴/۵ درصد) به این عده بیفزاییم جمua ۱۷/۹ درصد کودکان آشکارا در فضای خانوادگی رنج می برنند.

- در پاسخ به این سوال که بچه هایی هستند که از پدر و مادرشان جدا زندگی می کنند به نظر تو این کار چطور است؟ ۱۱/۵ درصد آنها آن را بد نداسته اند. این وضع نمودار یک حالت نفاقی و غیر سازشی است که در شرایط حاضر در برخی از خانوارهای تهرانی وجود دارد.

• اگر به ماهیت این اظهار نظر ها بپردازیم متوجه می شویم که بدی محله، کمبود اطاق کمی سواد پدر و مادر، زیادی افراد خانواده موجود چنین وضعی است. در پاسخ به این سوال که «یک پدر به چه درد می خورد؟» کودکان به ارزش های پدرانه چنین اشاره کرده اند.

%۵۶/۰	درآمد : پول درآوردن ، وسائل زندگی فراهم کردن
%۱۹/۸	فرزند : وسائل تربیت و تحصیل و تفریح فرزندان را فراهم آوردن
%۱۲/۹	خانواده : حمایت و مواظبت از خانواده و هماهنگ کردن اعضاء

کلی : بدرد زندگی و همه‌چیز خوردن

بدون پاسخ: (الف) نمی‌دانم . (ب) بهیچ درد نمی‌خورد

%۷/۹

%۳/۴

۱۰۰

۸۰۰

جمع

تعداد پاسخگو

• مطالعه اعداد بالا به ما نشان می دهد که **در نظر کودکان تهرانی نقش اصلی پدر «پول در آوردن» است**. گو این که این نقش را چه بسا فرزندان به تقلید از مادر به پدر خود نسبت می دهند. لکن بدیهی است که فقر اقتصادی به «پول در آوردن» نقش درجه اول می دهد. این مدعای را می توان با ارائه جدول رابطه میزان درآمد خانوار با اظهار نظر کودک در زمینه به درد خوردن پدر به اثبات رساند.



میزان درآمدخانواده	انتظاریکه از پدرمیرود: پول درآوردن، وسایل زندگی فراهمن کردن	تعداد پاسخگو
کمتر از ۵۰۰۰ ریال	%۷۸/۶	۱۱
از ۵۰۰۱ تا ۱۰۰۰۰ ریال	۶۱/۸	۸۱
از ۱۰۰۱ تا ۵۰۰۰۰ ریال	۵۵/۱	۳۰۰
بیش از ۵۰۰۰۰ ریال	۵۰/۹	۵۶
جمع	%۵۶/۰	۴۴۸

• چون تحرکات طبقاتی در کسبه و کارمندان بیش از کارگران و صاحبان مشاغل عالیرتبه دیده می شود باید دید این طرز فکر در کودکان چه نوع خانواده هایی بیشتر رواج دارد و مسئله پول در نزد کدامیک از این دو گروه کاسب و کارمند رایج تر و حادتر است.

۱- رایج تر  
۲- حاد تر

اگر به پاسخ ها- بر حسب مشاغل - توجه نماییم این موضوع روشن می شود

مشاغل	انتظاریکه از پدر میرود . پول در آوردن ، وسایل زندگی فراهم آوردن	تعداد پاسخگو
کارگر کسبه و کارمند مشاغل عالی رتبه	% ۶۰ / ۴ ۵۷ / ۱ ۴۲ / ۹	۹۶ ۳۰۰ ۴۲
جمع	% ۵۶ / ۰	۴۴۸

• نکته بسیار جالب توجه اینست که انتظار کودکان نسبت به نقش خانواده دوستی پدر نسبت مستقیم با سن کودک دارد. هرچه طفل مسن تر باشد آگاهی به نیاز خانه و خانواده در وی قوی تر است. و بالنتیجه انتظار بیشتری از پدر خود به عنوان حمایت کننده خانواده دارد جدول زیر رابطه بین سن کودکان و انتظار آنها را از پدر نشان می دهد:

تعداد پاسخگو	حمایت و مواظیت از خانواده	سن
۳	% ۴/۵	۷ ساله
۷	۶/۱	۸ ساله
۱۱	۹/۶	۹ ساله
۱۸	۱۲/۰	۱۰ ساله
۲۲	۱۳/۲	۱۱ ساله
۴۱	۲۲/۲	۱۲ ساله
۱۰۳	% ۱۲/۹	جمع

- نتیجه روابط فرزند با پدر در شرایط امروز زندگی بر اساس الگوهایی شکل می‌گیرد که با الگوهای سنتی مختصر تفاوت‌هایی دارد. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که باید بیشتر مطالعه کنیم تا قالب‌های فکری جدید و ارزش‌های فرهنگی قدیم را از هم باز‌شناسیم و مکانیسم تغییر ارزش‌ها را دریابیم.

مکانیسم تغییر ارزش  
ها

۱- قالب‌های فکری جدید  
۲- ارزش‌های فرهنگی  
قدیم

در مورد مادر وضع متفاوت است، جدول زیر نشان دهنده انتظار فرزند از مادر است:

فرزند	خانه‌داری	متفرقه	بدون پاسخ	جمع
% ۵۸/۰	: حفظ و تربیت کودکان			
۳۶/۹	: غذا پختن ، نظافت کردن خانه			
	: سایر پاسخها (کارکردن ، مدیریت			
۳/۵		و غیره		
۱/۶			: نمیداند و یا بهیج درد نمیخورد	
۱۰۰				تعداد پاسخگو
۸۰۰				



• تصویر مادر در ذهن کودکان از تصویر پدر روشن تر و مشخص تر است. باروری و تربیت کودکان تا سینین بلوغ در جامعه ما منوط به **ارذش های مادرانه** است و لفظ کودک در فرهنگ ما متداعی کلمه مادر است. در بالا دیدیم که نقش نگهداری از فرزند را فقط در ۱۹/۸ موارد از پدر انتظار دارند. در حالی که این رقم برای مادر ۵۸ درصد می‌رسد.

• اگر نظرات کودکان را در مورد پدر و مادر تواما مطالعه کنیم بهتر می توانیم از ادراک کودکان  
نسبت به والدین آنها آگاه شویم.

## جدول ۶ رابطه نفع پدر یا نفع مادر از نظر کودکان

نفع پدر	فرزندداری	خانهداری	متفرقه	بدونپاسخ	جمع	تعداد پاسخگو
درآمد	% ۲۸/۸	% ۲۵/۱	% ۱/۱	% ۱/۰	% ۵۶	۴۴۸
فرزند	۱۵/۲	۴/۱	۰/۰	۰/۵	۱۹/۸	۱۵۹
خانواده	۸/۰	۴/۵	۰/۱	۰/۳	۱۲/۹	۱۰۳
کلی	۴/۸	۱/۹	۰/۲	۱/۰	۷/۹	۶۳
بدون پاسخ	۱/۲	۱/۳	۰/۲	۰/۷	۳/۴	۲۷
جمع	% ۵۸/۰	% ۳۶/۹	% ۱/۶	% ۳/۵	% ۱۰۰	۸۰۰
تعدادپاسخگو	۴۶۴	۲۹۵	۱۰	۲۱	۸۰۰	۸۰۰

• اگر ما توجه خود را فقط به سه نقش اصلی پدر یعنی کسب درآمد، تربیت فرزند و حمایت از خانواده و دو نقش اصلی مادر یعنی **فرزنده‌داری** و **خانه‌داری** معطوف کنیم نتیجه زیر را بدست می‌آوریم



پرو: سنتیاد ملکوم اسلامی و مطالعات تربیتی

درآمد	پدر	فرزندداری	مادر	کل کودکان
حمایت خانواده	"	خانهداری	"	% ۲۸/۸
و تربیت فرزند	"	فرزندداری	"	% ۲۵/۱
" " "	"	خانهداری	"	% ۲۳/۲
" " "	"	خانهداری	"	% ۸/۶

- از مطالعه این مقایسه ها به طور کلی به **۲ نوع طرز تفکر** در نزد کودکان پی می بردیم:
- ۱- پدر مخارج خانواده را تامین می کند و بقیه امور خانواده را به مادر می سپارد:  $53/9$  درصد
- ۲- تربیت فرزند تواما به عهده پدر و مادر است:  $15/2$  درصد
- اگر می توانستیم این دو دسته کودک را از نظر طبقاتی از هم تشخیص بدھیم بسیار جالب می بود. ولی فعلا فرض می کنیم که دسته اول به طبقات متوسط و پایین و دسته دوم به قشرهای مرغه جامعه ما تعلق دارند.

- از تجزیه و تحلیل بالا نتیجه می‌گیریم که نظرات کودکان درک آنها را از پایگاه زن- که متناسب با **مقام اجتماعی** اوست- منعکس می‌نماید و بروشني فايده پدر را زا فايده مادر متمايز می‌كند.
- درک کودکان از پایگاه زن در طبقات مختلف متفاوت است و نسبت به شغل پدر انها فرق می‌کند.

جدول ۷ توزیع نسبی بر حسب شغل پدر  
فایده مادر

مشاغل پدر	فرزندداری	خانهداری	متفرقه	بدون پاسخ	جمع	تعداد پاسخگو
کارگر	% ۵۰/۲	% ۴۴/۰	% ۲/۶	% ۳/۲	۱۰۰	۱۵۹
کسبه	۵۵/۹	۳۹/۵	۰/۸	۳/۸	۱۰۰	۲۶۳
کارمند	۵۸/۲	۳۶/۸	۱/۱	۳/۹	۱۰۰	۲۸۰
صاحبان مشاغل عالی	۷۵/۵	۱۸/۴	۱/۰	۵/۱	۱۰۰	۹۸
جمع تعداد پاسخگو	۴۶۴	۲۹۵	% ۳۶/۹	% ۳/۵	۱۰۰	۸۰۰
	۱۰		% ۱/۶		۱۰۰	۸۰۰

کودکان قشرهای مرده به جز کار خانگی و آشپزی تربیت فرزند را نیز از جمله وظایف مادران خود می شمارند. در نزد اینان مادر غیر از ارزش مادی یک حالت معنوی نیز پیدا می کند و به پدر نزدیک می شود.

# احساس کودکان نسبت به مدرسه



- در مطالعه احساس کودکان نسبت به مدرسه ۷۸/۳ درصد کودکان اظهار داشته اند که علاوه بر درس «اداب معاشرت» می آموزند.

- این رقم قابل توجه نشان می دهد که برای اغلب کودکان مدرسه محیط دیگری غیر از خانواده است. طفل از مدرسه خود را در یک فضای اجتماعی تازه احساس می کند که در آن به او می آموزند چگونه پشت میز بنشینند. چطور در یک لیوان آب بنوشد و بچه نحو با کارد و چنگال غذا بخورد. کتابهای ابتدایی سراسر حاوی تصاویر و مطالبی در زمینه این زندگی تازه است. چون این کار ها برای او ناشناخته و نامانوس است این تفکر در ذهن او ایجاد می شود که مشغول یادگیری رفتار مودبانه و روش های نیکو است.

- به این ترتیب مدرسه صورت تازه ای از زندگی را به طفل می نمایاند که اساساً غربی و بیگانه است.
- اطفال طبقات مرفه و با سواد این شیوه ها را زودتر فرا گرفته و جزء آداب و رسوم خود می نمایند. بدیهی است اینان در شمار آن دسته کودکان نیستند که تصور می کنند در مدرسه **آین زندگی** می آموزند.

• سایر **عادات** و فعالیت هایی که کودکان در مدرسه یاد می گیرند عبارتست از:

• بازی ۲۲ درصد

• ورزش ۲۱/۶ درصد

• حرف زدن ۱۶ درصد

• عادت به کار ۱۴/۱ درصد

• دوست یابی ۵/۹ درصد و غیره ...



• به طور کلی کودکان نسبت به مدرسه رفتن نیاز فراوانی احساس می کنند چنانکه ۶۹/۸ درصد آنان اظهار می دارند وقتی را که در مدرسه می گذرانند کافی نیست. البته با توجه به نیمروز بودن بسیاری از دبستان ها تمایل کودکان به صرف وقت بیشتر در مدرسه تا حدی توجیه می گردد.

- در این مورد باید دانست که:
- ۳۹/۷ درصد دانش اموزان در هفته فقط بین ۲۱ تا ۲۵ ساعت به مدرسه می روند.
- ۱۵/۴ درصد آنها در هفته هفقط بین ۲۶ تا ۳۰ ساعت به مدرسه می روند.
- ۴۳/۹ درصد آنها در هفته بیش از ۳۰ ساعت به مدرسه می روند.

• این تفاوت وقتی را که دانش آموزان در مدرسه می گذرانند به سن و کاس انها بستگی دارد به این معنی که هرچه دانش آموزان ابتدایی تر باشند به نسبت کثرت عدد آنا و کمبود مدارس کمتر به مدرسه می روند به سخن دیگر از یک مدرسه ابتدایی در دو یا سه نوبت استفاده به عمل می آید. این نقیصه در نقاط پر جمعیت شهر به مراتب بیشتر از محلات اعیان نشین به چشم می خورد.

جدول زیر ( شماره ۸ ) این تفاوت را بخوبی نشان می دهد .  
 توزیع نسبی بر حسب نواحی زمان صرف شده در مدرسه در هفته

نواحی ده گانه تهران	ناهیین	تاریخ ۲۱ ساعت ۲۵	تاریخ ۲۶ ساعت ۳۰	بیش از ساعت ۳۰	جمع	تعداد پاسخگو
ناحیه ۱	%۳/۴	%۲۷/۳	%۲۲/۷	%۴۶/۶	۱۰۰	۸۸
ناحیه ۲	۰/۰	۵/۶	۳۳/۳	۶۱/۱	۱۰۰	۵۴
ناحیه ۳	۱/۰	۲۸/۱	۱۳/۵	۵۷/۴	۱۰۰	۹۶
ناحیه ۴	۰/۰	۷۴/۲	۴/۰	۲۱/۸	۱۰۰	۱۲۴
ناحیه ۵	۰/۰	۵۸/۰	۳/۷	۳۸/۳	۱۰۰	۱۰۲
ناحیه ۶	۰/۰	۵۳/۴	۳۲/۳	۱۳/۳	۱۰۰	۱۵
ناحیه ۷	۰/۰	۷۲/۵	۶/۴	۲۱/۱	۱۰۰	۱۰۹
ناحیه ۸	۱/۸	۲۱/۶	۱۸/۹	۵۸/۱	۱۰۰	۷۴
ناحیه ۹	۲/۹	۴/۲	۲۲/۹	۷۰/۰	۱۰۰	۷۰
ناحیه ۱۰	۱/۶	۶/۳	۳۳/۳	۵۸/۸	۱۰۰	۶۲
جمع تعداد پاسخگو	۰/۱	%۳۹/۲	۱۲۳	%۱۵/۴	%۴۳/۹	۸۰۰
تعداد پاسخگو	۸	۳۱۸	۱۲۳	%۱۵/۴	%۴۳/۹	۸۰۰

- تنها ۲۴/۴ درصد اطفال وقت مدرسه را کافی می دانند. این دسته کودکان بیشتر از خانواده های تحصیل کرده و روشنفکری هستند که در تامین نیازمندی های اموزشی و فراغتی فرزندانشان می کوشند.

توزيع نسبی بر حسب شغل پدر  
تمایل رفتن به مدرسه

مشاغل	همانقدر	کمتر	بیشتر	جمع	تعداد پاسخگو
کارگر	% ۱۷/۰	% ۴/۴	% ۷۸/۶	۱۰۰	۱۵۹
کسبه	۲۰/۵	۶/۸	۷۲/۷	۱۰۰	۲۶۳
کارمند	۲۸/۲	۶/۴	۶۵/۴	۱۰۰	۲۸۰
مشاغل عالیرتبه	۳۵/۷	۳/۱	۶۱/۲	۱۰۰	۹۸
جمع	% ۲۴/۴	۴۶	% ۶۹/۸	۱۰۰	۸۰۰
تعداد پاسخگو	۱۹۵		۵۵۹	۸۰۰	

- با توجه به اهمیت طبقاتی کودکانی که مایلند وقت بیشتری در مدرسه صرف نمایند بر ما روشن می گردد که اصلا مدرسه تا حدودی به ناچار محل سرگرمی هایی می شود که کودک کمبود آن ها را در منزل و در خارج از مدرسه احساس می کند مانند بازی های گروهی و میدانی و از این قبیل
- ۵/۵ درصد بقیه از کودکان از رفتن به مدرسه ابراز خستگی می نمایند و به کمتر رفتن به مدرسه میل نشان می دهند. بی تردید در بین این عده کودکانی که به نحوی از انحا از یمزان طبیعی رشد بی بهره اند وجود دارند.

- اگر از کودکانی که به بیشتر رفتن به مدرسه نیاز فراوانی دارند پرسیم در صورتی که منزل آنها تغییر کند آیا حاضرند مدرسه خود را عوض کنند یا نه «انان به دو دسته تقریباً مساوی بخش می‌کردند:
- ۴۷/۱ درصد آنها هچ گونه میلی نسبت به تغییر مدرسه ابراز نمی‌کنند و به مدرسه خود دلبستگی نشان می‌دهند.
- ۴۷/۲ درصد آنها بر عکس با وجود علاقه به مدرسه خود حاضرند تجربه مدرسه دیگری را هم به دست آورند.
- بنابراین اگر اکثر دانش آموزان به رفتن بیشتر به مدرسه علاقه نشان می‌دهند، نه به سبب مدرسه ای است که در آن تحصیل می‌کند، بلکه برای خاطر تازگی محیط مدرسه است.

• در این جا این سوال طرح می شود که آیا میل به تغییر مدرسه با محله و نوع مدرسه بستگی ندارد؟  
بررسی این موضوع نشان می دهد که کودکان محلات مرفه ر کمتر حاضرند مدرسه خود را که در آن تعداد ساعت بیشتری را می گذرانند عوض کنند مثل کودان ناحیه ۲ و ۶ تهران)

### ناحیه ۲

میل به تغییر در کودکان وجود ندارد % ۶۸/۵	% ۶۶/۷
میل به تغییر در کودکان وجود دارد ۲۹/۶	۳۳/۳

• پس ین کودکان به امتیاز طبقاتی خویش آگاه و در حفاظت آن نیز مصرونده‌اند. بر عکس دانش آموزانی که در محلات پایین تر اقامت دارند و به مدرسه هایی می‌روند که اکثرا نیمه وقتند، رغبت بیشتری به تغییر مدرسه از خود نشان می‌دهند (مثل دانش آموزان ناحیه ۱، ۴، ۷ تهران)

ناحیه ۷	ناحیه ۴	ناحیه ۱	میل به تغییر در کودکان وجود ندارد
% ۴۵/۹	% ۴۴/۴	% ۴۲/۰	

میل به تغییر در کودکان وجود دارد %۵۵/۷ %۵۰/۸ %۵۱/۴

### نظر دانش آموزان درباره تکالیف مدرسه و کار شخصی

در برابر این سؤال که "آیا مدرسه زیاد تکلیف میدهد یا کم ) " پاسخگویان خرد سال چنین اظهار داشته‌اند :

زیاد %۲۶/۲

کم %۲۶/۹

نه زیاد ، نه کم %۴۶/۹

جمع

تعداد پاسخگو ۱۰۰

۱۰۰

• مهم ترین عکس العملی که دانش اموزان ز خود ناشن داده اند بیانگر نوعی گردن نهادن به قضا و قدر است. آنان تقریباً گفته اند : کاریست که باید به هر صورت انجام داد. بدیهی است که این دسته از دانش آموزان ترجمان نظر و عقیده والدین خود نسبت به امر تکلیف در خانه بوده اند. چه نیک می دانیم که اگر خانه و مدرهس در نظام آموزشی کشور ما بر سر یک امر توافق داشته باشند، آن امر تکالیفی است که معلم به شاگرد می دهد هرچه شاگرد بیشتر در منزل کرا کند در نظر پدر و مادر و معلم ساعی تر و جدی تر تلقی می شود. تا جایی که بیش از یک چهارم دانش اموزان (۲۶/۹ درصد) اظهار می دارند که تکالیف مدرسه کم است.

• از این رو هم مدرسه و هم خانه عقاید سنتی خود را هنوز حفظ کرده اند. انجام تکالیف مدرسه به عنوان یک اصل جا افتاده و پذیرفته شده با استقلال عمل می کند و ارتباط چندانی با سایر عوامل تحصیلی پیدا نمی کند. مثل می توان گفت هیچ گونه رابطه یا تناسبی مابین زمانی که طفل در مدرسه می گذراند و زمانی که بادی در منزل تکالیف مدرسه را انجام بدهد وجود ندارد. در هر صورت دانش اموز باید مقدار معینی از زمان را صرف تکالیف مدرسه بکند تا به نظر معلم و پدر و مادر خود دانش آموز واقعی به حساب آید.

۱۰ - ول

توزيع نسبی بر حسب زمان مصرف شده در مدرسه  
زمان انجام تکالیف روزانه

تعداد پاسخگو	جمع	بیش از ۳ ساعت	تا کمتر از ۳ ساعت	تا کمتر از ۲ ساعت	زمان مصرف در مدرسه
۳۱۸	۱۰۰	%۳۴/۹	%۳۹/۳	%۲۵/۸	۲۵ تا ۲۵ ساعت در هفته
۱۲۲	۱۰۰	۴۱/۵	۳۵,۸	۲۲/۷	۳۰ تا ۲۶ " " "
۳۵۱	۱۰۰	۴۱/۹	۳۸/۴	۱۹/۶	بیش از ۳۰ " " "
۸	۱۰۰	۳۷/۵	۳۲/۵	۲۵/۰	بدون پاسخ
۸۰۰		%۳۹/۱	%۳۸/۴	%۲۲/۵	هم
۸۰۰		۳۱۲	۳۰۷	۱۸۱	تعداد پاسخگو

- و اما نکته جالب توجه در جدول بالا این است که مقدار تکالیف بر حسب مدرسه های شهر و خانواده های تهرانی تفاوت می کند. در عین حال که لزوم انجام تکالیف در سراسر شهر و در کلیه خانواده ها به دانش اموزان توصیه و تاکید می شود در مقدار آن سلیقه ها تفاوت می کند.
- اگر ما تکالیف تا کمتر دو و نیم ساعت را با دو و نیم ساعت و بیشتر در نواحی مختلف تهران مطالعه کنیم جدول زیر (شماره ۱۱) به دست می آید:

نوریع نسبی بر حسب نواحی - میزان تکالیف نسبی

تعداد پاسخگو	جمع	$\frac{1}{2}$ ساعت و بیشتر	$\frac{2}{3}$ ساعت از ساعت	نواحی دهگانه تهران
۸۸	۱۰۰	% ۴۸/۹	% ۵۱/۱	ساختمان ۱
۵۴	۱۰۰	۵۰/۰	۵۰/۰	" ۲ "
۹۶	۱۰۰	۵۸/۳	۴۱/۷	" ۳ "
۱۲۴	۱۰۰	۳۵/۶	۶۴/۴	" ۴ "
۱۰۷	۱۰۰	۳۵/۵	۶۴/۵	" ۵ "
۱۵	۱۰۰	۴۰/۰	۶۰/۰	" ۶ "
۱۰۹	۱۰۰	۴۵/۹	۵۴/۱	" ۷ "
۷۴	۱۰۰	۶۸/۹	۳۱/۱	" ۸ "
۲۰	۱۰۰	۴۵/۶	۵۴/۴	" ۹ "
۶۳	۱۰۰	۴۶/۱	۵۳/۹	" ۱۰ "
۸۰۰	۱۰۰	% ۴۵/۴	% ۵۴/۶	جمع
۸۰۰		۳۶۴	۴۳۶	تعداد پاسخگو

• همچنین اگر این دو میزان تکلیف را با وضع طبقاتی خانواده‌ها مثلاً میزان درآمد خانواده یا شغل پدر و یا میزان تحصیلات پدر و مادر مقایسه کنیم متوجه تفاوت‌هایی خواهیم شد. بدیهی است در محلات و خانواده‌هایی که به دانش آموزان کمتر تکلیف داده می‌شود وسایل دیگر آموزش و غر وسایل تفریحی نسبت به خانواده‌هایی که آینده طفل را در «مشق نویسی» می‌دانند. فراوان تر است پس از این بحث حالا ببینیم کودکانی که از زیادی تکالیف مدرسه شکوه می‌کنند (۲۶/۲ درصد) چه کسانی هستند؟

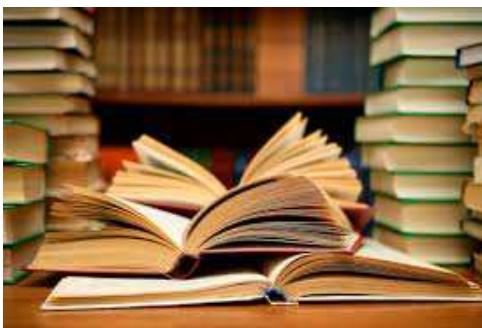
- قبل از هر چیز باید بگوییم که بیشتر این کودکان متعلق به طبقات پایین تر اجتماعند.
- فرزندان کارگران ۳۴/۰ درصد
- فرزندان پدران با مشاغل عالیرتبه ۲۸/۴ درصد
- و این وضع دو علت می‌تواند داشته باشد اول این که مثلاً در خانواده کارگری فرزندان علاوه بر کار تحصیل وظایف دیگری از قبیل خرید، کمک به مادر و پدر و غیره به عهده دارند لذا فرصت آنها برای انجام تکالیف کمتر است. اغلب اسباب و لوازم مدرسه دائماً گستردگی دارد و طفل فقط در فواصل رفت و آمد و فعالیت‌های مربوط به خانه به درس و مشق خود می‌رسد.

• گاهی نیز اتفاق می افتد که طفل به خانه می رسد تا هنگام خواب کتاب ها و دفترچه های خود را اصلاح «ولو» می کند تا در فرصت های مناسب به انها بپردازد و ضمناً خود را همیشه مشغول نشان بدهد. به این ترتیب کار مدرسه کار تمام نشدنی و دشواری می شود به خصوص که سایر اعضا خانواده نیز به علت کم سوادی و سایر فقدان ها نمی توانند به او کمک کنند. گذشته از این به دلیل همین **کم سوادی اعضا خانواده طفل** در برابر کار مدرسه کار تمام نشدنی و دشواری می شود به خصوص که سایر اعضا خانواده نیز به علت کم سوادی و سایر فقدان ها نمی توانند به او کمک کنند.

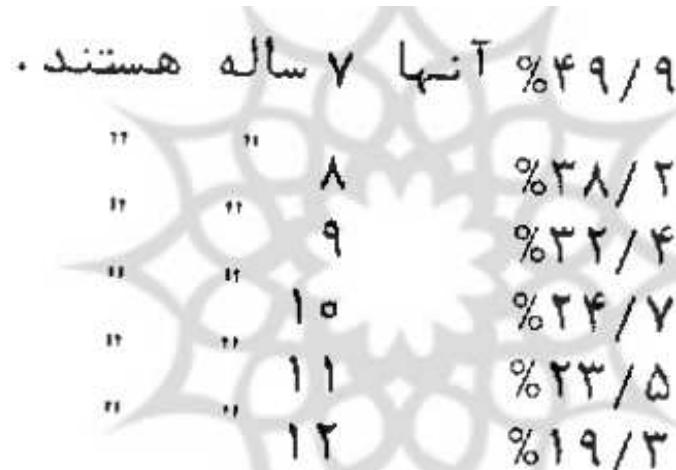
• گذشته از این به دلیل همین کم سوادی اعضا خانواده طفل در برابر کار مدرسه تنها می‌ماند و **گاهی مجبور می‌شود از شرکت در فعالیت‌های خانه و خانواده خود صرف نظر نماید** و به دلیل این که مشق دارد تلویزیون تماشا نکند، در کوچه نرود با مهمان‌ها صحبت نکند. در گفت و گوهای خانوادگی شرکت ننماید و از این قبیل ممنوعیت‌ها. اگر در تعدادی از خانواده‌های مرffe تر پدر و مادر نیز دوش به دوش کودک به خواندن کتاب و روزنامه می‌پردازنند.

- در این قبیل خانواده ها فعالیت تحصیل طفل جنبه استثنایی پیدا می کند. این وضع نیز رفته رفته برای طفل غیر قابل تحمل می گردد و زیادی و یکنواختی تکالیف مدرسه موجب محرومیت وی از شرکت کامل در زندگی تفریحی خانواده می شود. اما در مجموع خواهیم دید که شرایط خانوادگی و اجتماعی کودکان طوریست که اینان در یک فضای آموزشی زندگی می کنند و دائما و خود به خود در معرض **تشویق و ترغیب محیط برای مطالعه و تحصیل** می باشند.

• در پاسخ به این سوال که اگر از مقدار تکلیف کم کنند یا وقت اضافی که برایت می ماند چکار خواهی کرد؟ ۶۶/۱ درصد آنها ادعا کرده اند که وقت اضافی را صرف مطالعه کتاب و یادگیری می کنند و فقط ۲۸/۴ درصد آنها بازی و ۱۰/۹ درصد تماشای تلویزیون را عنوان کرده اند. اگر هم این ادعا در عمل هرگز به تحقق نپیوندد انگیزه مطالعه و تحصیل در کودکان تقریبا وجود دارد. چه در خانه، چه در مدرسه و چه در جامه از طریق وسایل ارتباط جمعی این موضوع را به کودک تلقین نموده اند که تعلیم و تربیت در به سازی زندگی آینده او امری ضروری است.



- ظاهرا «القاء» این فکر به کودکان بزرگتر آسانتر انجام می‌گیرد زیرا بیشتر کودکانی که در پاسخ به سوال بالا «بازی» را عنوان کرده‌اند (۲۸/۴ درصد) از خردسالان هستند نه بزرگسالان.



- بنا بر این می توان نتیجه گرفت که با ازدیاد سن کودکان بیش از پیش به سوی مطالعه و تحصیل کشیده می شوند و این امر با **محیط اولیه کودک و وضع طبقاتی** او ارتباط تام ندارد.

# احساس کودکان نسبت به تلویزیون

- از ان جا که تحقیق را منحصررا در بین خانواده های تلویزیون دار انجام داده ایم اگر مهم ترین فعالیت فراغتی کودکان آنان تماشای تلویزیون باشد جای تعجب نیست.
- از مطالعه فعالیت های مختلف فراغتی در تعطیلات تابستانی به خوبی استنباط می شود که فعالیت های فرهنگی از قبیل کتاب خواندن تا حدود زیای جنبه مصنوعی دارد و تعطیلات تابستانی کودکان را به سوی ذوق و سلیقه های شخصی آنها مانند بازی در کوچه ها می کشاند.

ذوق و سلیقه های  
شخصی

- در بین فعالیت های فرهنگی جدید تلویزیون لااقل در خانواده های تلویزیون دار جای منحصر به فرد و پر اهمیتی را اشغال می کند. بنابراین در اینجا تماشای تلویزیون را به عنوان نمودار فعالیت های فراغتی مورد مطالعه قرار می دهیم و از سایر فراغت ها موقتاً چشم می پوشیم.

مدت زمانی که کودکان در یک سال تحصیلی به تماشای تلویزیون می‌نشینند:

درصد کودکان تماشاگر میزان ساعت

% ۳/۲ تا  $\frac{1}{2}$  ساعت در روز

۷/۱ تا  $\frac{1}{2}$  " " "

۲۶/۶ تا  $\frac{1}{2}$  " " "

۹/۰ تا  $\frac{1}{2}$  " " "

۲۹/۲ تا  $\frac{1}{2}$  " " "

۴/۴ تا  $\frac{3}{4}$  " " "

۱۳/۶ تا  $\frac{4}{5}$  " " "

۵/۵ تا  $\frac{5}{6}$  " " "

۱/۴ بیشتر از ۵ ساعت در روز

جمع تعداد پاسخگو

۱۰۰

۸۰۰

• بنابراین اکثر کودکان از یک تا دو و نیم ساعت در روز تلویزیون را تماشا می کنند. اگر ما زمان متعارف برای تماشای تلویزیون را ۲ ساعت برای هر کودک فرض کنیم می بینیم که ۵۴ درصد بچه ها وقت زیادی را صرف این کار می کنند زیرا یقیناً کاملترین برنامه (یک فیلم) از ۲ ساعت کمتر طول می کشد. این زمان حتی از زمان تماشای برنامه های مخصوص کودکان و نوجوانان هم بیشتر تلویزیون را ۲ ساعت برای هر کودک فرض کنیم می بینیم که ۵۴ درصد بچه ها وقت زیادی را صرف این کار می کنند زیرا یقیناً کاملترین برنامه (یک فیلم) از ۲ ساعت کمتر طول می کشد. این زمان حقی از زمان تماشای برنامه های مخصوص کودکان و نوجوانان هم بیشتر است.

- حالا اگر زمان تماشای تلویزیون را در رابطه با شغل پدران کودکان مطالعه نماییم، جدول زیر (شماره ۱۲) را خواهیم داشت.

جدول ۱۶

توزیع سنی بر مبنای انتقال بذر رفت روزانه که صرف تامانی طبقه بودن می شود.

تعداد بسکو	۰	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰	کل
۱۵۹	۱۰۰	۵/۴	۱۴/۵	۲/۰	۲۲/۶	۷/۶	۲۲/۹	۸/۸	۲/۸	کارگر		
۲۶۳	۱۰۰	۶/۱	۱۲/۱	۵/۲	۲۰/۸	۹/۵	۲۴/۲	۶/۸	۲/۷	کلبه		
۲۸۰	۱۰۰	۷/۵	۱۶/۱	۵/۰	۲۶/۲	۷/۹	۲۸/۲	۵/۴	۲/۵	کارمند		
۹۸	۱۰۰	۹/۲	۴/۱	۲/۱	۲۵/۰	۱۲/۲	۲۳/۶	۷/۱	۶/۱	متغیر		
										عالی		
A++	۱۰۰	۶/۹	۱۲/۵	۴/۴	۲۹/۲	۹/۰	۲۶/۶	۷/۱	۲/۲	جمع		
A++	۵۵	۱۰۹	۲۵	۲۳۲	۷۲	۲۱۳	۵۷	۵۷	۲۶	تعداد		
										باسکو		

- این جدول علت عدم تساوی میزان استفاده از تلویزیون را توسط طبقات مختلف اجتماعی نشان می دهد. هر چه وضع طبقاتی در سلسله مراتب اجتماعی بهتر باشد افراد این طبقات فقط برنامه هایی را که به نفع خود و فرزندانشان می دانند مشاهده می کنند و کمتر تلویزیون را تماشا می کنند.
- اگر فقط به ستون های مهم تر {«۱ ساعت بیشتر تا دو و نیم ساعت» (۲۱۳ نفر) و «۲ ساعت بیشتر تا دو و نیم ساعت» (۲۳۳ نفر) و «۳ ساعت بیشتر تا ۴ ساعت» (۱۰۹ نفر) توجه نماییم. مطلب روشنتر خواهد شد و تاثیر طبقاتی بر زمان تماشای تلویزیون مسلم تر خواهد گردید.

سلسله مراتب اجتماعی

# برنامه های تلویزیون

- ۷۶/۷ درصد کودکان از برنامه های تلویزیونی راضی نیستند فقط ۲۳/۳ درصد آنها احساس رضایت خاطر می نمایند. بنابراین در نظر بسیاری از کودکان برنامه های تلویزیونی تحمیلی جلوه می نماید. به **دو دلیل**:
- ۱- بزرگترها تلویزیون را تماشا می کنند در این حال برای کودکان نیز کاری جز این نمی ماند.
- ۲- سلطه و نفوذ تلویزیون بر کودکان به قدری زیاد است که آنها را مسحور می نماید. آنان گاهی بدون و توجه و علاقه و حتی بدون درک موضوع به برنامه ای نگاه می کنند.
- با وجود این کودکان برنامه های مناسب حال خویش را از برنامه های کسل کننده به خوبی تشخیص می دهند و با آگاهی نسبت به انها سخن می گویند.

- کودکان قبل از همه برنامه هایی را دوست دارند و اول بار به زبان می آورند که مخصوص آنها تهیه شده است.
- ۵/۱ درصد آنها برنامه های کارتون
- ۴/۱ درصد آنها فیلم های پلیسی و وسترن
- ۷/۹ درصد آنها فیلم های تارزان
- در بین برنامه های دوم:
  - ۷/۳ درصد آنها برنامه های کارتون
  - ۶/۱۳ درصد آنها فیلم های تارزان و ...
- ۶/۱۲ آنها فیلم های پلیسی و وسترن را عنوان می کنند.

- هیچ متغیر دیگری جز جنس کودکان در توجیه انتخاب آنها دخالت ندارد. به عبارت دیگر وضع طبقاتی میزان سواد و شغل پدر و مادر و غیره بر سلیقه کودکان تاثیر نمی‌گذارد.
- در حالی که ۱۶/۶ درصد پسرها به فیلم‌های پلیسی و وسترن رای می‌دهند فقط ۵ درصد دخترها به این قبیل برنامه‌ها کشیده می‌شوند. بر عکس در علاقه به برنامه‌های احساسی و عاطفی دختران (۱۲/۸ درصد) از پسران (۸/۸ درصد) پیشی می‌گیرند. در اینجا تقابل فرهنگی دو جنس که به طور سنتی در نزد ما وجود دارد عیان می‌گردد. با این همه ممکن است در سال‌های آتی این دوگانگی با رشد فرهنگ یک حنسی امروز رو به ضعف رود. تشابه در لباس پوشیدن، به گردش و سینما رفتن و نیز رفع تبعیض در سایر فعالیت‌های زندگی **احساس تفاوت بین دو جنس** را تخفیف می‌دهد.

• حالا اگر به برنامه‌هایی توجه کنیم که کودکان نسبت به آنها بی علاقه و گاهی متنفرند خواهیم دید که **عصیان شدید** در آنها نسبت به «برنامه بزرگترها» وجود دارد. این برنامه‌های برای آنها جنبه تحمیلی دارد و چون برنامه‌های مخصوص کودکان و برنامه‌هایی که تماشای آنها برای کودکان خساراتی به بار نمی‌آورد. در یک مدت زمان معینی (که کاملاً با زندگی اطفال چنانکه باید و شاید متناسب نیست) عرضه نمی‌شود و در میان سایر برنامه‌ها پراکنده اند این جنبه تحمیلی بیشتر از طرف کودکان احساس می‌شود.

- ۴۴/۲ درصد کودکان از برنامه های خبری و مباحثه های اجتماعی متنفرند و ۱۸/۴ درصد آنها از برنامه های سریال، مثل روزهای زندگی و غیره.
- در مجموع کودکان نسبت به برنامه های تلویزیونی زیاد خوش بین نیستند. شاید یکی از علل این امر آن است که کودکان برنامه های غیر کودکانه را نیز تماشا می کنند.



- ۲۵ درصد کودکان اعلام داشه اند که بیش از حد لازم تلویزیون را تماشا می کنند. با وجود این دید منفی کودکان نسبت به تلویزیون علاقه زیادی دارند.
- ۳۹/۷ آنان به تماشای بیشتر تلویزیون ولع نشان می دهند و ۳۵/۲ درصد آنها زمان تماشا را کافی می دانند. کودکان عموماً تصور می نمایند که تلویزیون برای آنها درست شده ۳۳/۲ درصد بچه ها در برابر این سوال که تلویزیون روی هم رفته بیشتر برای بچه ها خوب است یا برای پدر و مادر ها؟ «سریحاً اظهار داشته اند : «برای بچه ها ۴۴/۹ دیگر از هر دو طرف نام برده اند.

• ۲۰/۵ درصد فقط به والدین اشاره کرده اند، در مورد اول و دکان تا حدود زیادی نظر والدین را مبنی بر این که تلویزیون به ثبوت می رسانند.

## ادراک کودکان نسبت به روابط بین بزرگترها

- اکنون به عنوان نتیجه گیری به موضوع اصلی تحقیق یعنی ادراک کودکان نسبت به روابطی که با هم دارند می پردازیم. آیا کودکان به تفاوت های فرهنگی و اختلاف سطح بین مجاری اطلاعات و پیام هایی که به آنها می رسد آگاهی دارند؟
- برای مطالعه این قسمت ناچار به **مجاری سه گانه اطلاعات خانه و مدرسه و تلویزیون** اکتفا می کنیم و روابط آنها را دو به دو مورد توجه قرار می دهیم.

## الف) روابط بین تلویزیون و خانواده

- آزادی کودکان در تماشای تلویزیون
- خانواده ها در مورد تماشای کودکان کم و بیش اعمال قدرت و مقاومت می نمایند. اگر قول اطفال را صادق بدانیم:
- ۲۰/۹ درصد خانواده فرزندان خود را عملا در برابر تلویزیوی رها کرده اند و هیچ گونه کوشش و کنترلی در تنظیم رابطه آنها با تلویزیون نمی نمایند. در واقع رفتار آنان در این باره رفتاری پذیرا و منفعل است و تلویزیون را به عنوان یک «**واقعه آسمانی**» و جبر اجتماعی می پذیرند.

- ۳۹/۵ درصد خانواده در تماشای تلویزیون برای فرزندان خود یک آزادی نسبی قائل می شوند و احتمالاً برای دادن این امتیاز به فرزندان با آنها به چانه زدن می پردازند.
- در این احوال کودکان نیز همه نیروی خود را به کار می اندازند تا والدین خود برقت آورده و اجازه تماشای تلویزیون با دیدن برنامه خاصی را از آنها بگیرند. البته موفقیت آنها در غلبه بر والدین تضمین شده و حتمی نیست.
- ۳۹/۶ دیگر خانواده ها آزادی کودکان را در برابر تلویزیون **محدود نموده** و آن را مشروط ساخته اند. بنابراین در روابط بین فرزندان خود با تلویزیون اعمال نفوذ می نمایند.

- از این سه دسته خانواده بیشتر خانواده های کارگری به علت فقدان سایر وسای تفریحی و بهره برداری بیشتر از سرمایه گذاری سنگین خود و نیز به دلیل کنجهکاوی افراد آن فرزندان را یک جا و بدون قید و شرط تسلیم تلویزیون کرده اند.

- ارقام زیر این واقعیت را نشان می دهد:
- در ۲۷ درصد موارد فرزندان کارگران می توانند هر وقت بخواهند زیاد تلویزیون را تماشا کنند.
- در ۲۱/۸ درصد فرزندان کارمندان می توانند هر وقت بخواهند زیاد تلویزیون را تماشا کنند.
- در ۱۸/۶ درصد موارد فرزندان کسبه می توانند هر وقت بخواهند زیاد تلویزیون را تماشا کنند و فقط در ۱۴/۳ درصد پدران عالی رتبه می توانند هر وقت بخواهند زیاد نلویزیون را تماشا کنند.

- با این که ممکن است تفاوت رفتار در خانواده ها زیاد با معنی نباشد ولی جهت این ارقام واقعیت را تا حدی بنا عرضه می کند.

# انتخاب برنامه ها

- در مورد انتخاب برنامه های تلویزیون به ۴ دسته خانواده بر می خوریم:
- ۱- آنایی که هیچگونه کنترلی بر انتخاب برنامه ها ندارند و تعداد این خانواده ها نزدیک به یک سوم کل آنها می رسد (۳۰/۹ درصد)
- ۲- خانواده هایی که فقط پدر ها بر انتخاب برنامه ها نظارت دارند (۱۵/۴ درصد)
- ۳- خانواده هایی که فقط مادرها بر انتخاب برنامه ها نظارت دارند (۱۰/۶ درصد)
- ۴- پدر و مادر تواما برنامه ها را تحت نظر می گیرند (۴۱/۱ درصد)

- به طور کلی به نظر می رسد که کنترل از طرف پدر جدی تر و محسوس تر از مادر است و یا ن امر ممکن است به این دلیل باشد که از طرفی حضور پدر در منزل غالبا همزمان با پخش برنامهای است که برای کودکان تهیه شده است. از طرفی دیگر حضور دائمی مادر در منزل قدرت کنترل او را در انتخاب برنامه ها تضعیف می کند و عملا در این گونه موارد برای اعمال قدرت از پدر کمک می گیرد.

## ب) روابط بین تلویزیون و مدرسه

۴/۲ درصد کودکان اظهار می دارند که از مدرسه بیشتر از تلویزیون چیز یاد می گیرند فقط درصد آنها در برتری نقش آموزش تلویزیون نسبت به مدرسه اصرار می ورزند. این ارقام نشان می دهند که جنبه تفریحی و فراغتی تلویزیون بر جنبه تربیتی و آموزشی آن در ذهن کودک چربیده است و به نظر آنها قبل از هر چیز تلویزیون برای سرگرمی درست شده است. در این جا نیز کودکان عقیده والدین خود را که در اکثر موارد تلویزیون را «وسیله سرگرمی» می دانند منعکس می نمایند.

- چنانچه تلویزیون (غیر از تلویزیون آموزشی) برنامه های خاص آموزشی برای کودکان اجرا می نمود این تصویر در ذهن آنها پیدا نمی شد، به خصوص که به پندار کودکان موافقت کامل بین مدرسه و تلویزیون برقرار نیست. در ۵۷/۹ درصد موراد معلم با تلویزیون موافق است ولی موافقت او مشروط است. موافقت بدون قید و شرط در ۵ درصد وجود دارد.
- رابطه مدرسه با تلویزیون هر چه می خواهد باشد نکته مسلم این است که بچه ها با برنامه های تلویزیون از زبان معلم خود مخالفت می کنند.

• به عنوان نتیجه می شود گفت که مدرسه عموماً حس انتقاد را در کودکان بسط می دهد. در صورتی که خانواده ظاهراً بیشتر از **ایدئولوژی و سایل ارتباط جمعی** متابعت می کند اگر مدرسه از ظر آموزشی خود را با تلویزیون مقایسه می کند خانه بر عکس در برنامه های تفریحی خود از تلویزیون کمک می گیرد. به این ترتیب روابط بین مدرسه و تلویزیون با روابط بین خانه و تلویزیون پیدا می کند. کودکان از این تفاوت در ک دیگری مبنی بر اختلاف سلیقه بین مدرسه و تلویزیون دارند که لزوماً علت آن عدم هماهنگی پیام هایی است که این دو بسوی کودک می فرستند.

## ب) روابط بین خانه و مدرسه

- روابط بین خانه- مدرسه با ملاقات حداقل یکی از والدین با یکی از معلمان برقرار می شود.
- در ۳۹/۴ درصد موارد پدر و مادر هر دو با معلم فرزندشان ملاقات نموده اند.
- در ۳۹/۵ درصد موارد فقط مادر این وظیفه را به عهده گرفته است.
- در ۱۰/۶ درصد موارد پدر
- در ۱۰/۵ درصد موراد هیچکدام این کار را نکرده اند.

• اگر میزان توجه پدر و مادر را نسبت به وضع تحصیلی فرزند خود در ارتباط با شغل والدین مورد مطالعه قرار دهیم خواهیم دید که در خانواده های مرفه الحال پدر و مادر تواماً دخالت می کنند. دخالت مادر به تنها یی در مواردی صورت می گیرد که پدر گرفتاری های اقتصادی داشته باشد. در این گونه موارد چه بسا که مادر نیز مانند پدر کمتر به سراغ معلم و مدرسه می رود.

## میزان توجه پدر و مادر نسبت به وضع تحصیلی فرزند خود

جدول ۱۳ - توزیع نسبی بر حسب شغل پدر  
ملاقات با معلم در مدرسه

شغل پدر	عدم توافق	توافق	تردد	جمع	تعداد پاسخگو
کارگر	۲۱/۴	۵۶/۶	۲۲/۰	۱۰۰	۱۵۹
کسبه	۱۷/۱	۵۵/۵	۲۷/۴	۱۰۰	۲۶۳
کارمند	۱۷/۵	۵۶/۱	۲۶/۴	۱۰۰	۲۸۰
صاحب مشاغل عالی	۱۴/۳	۶۰/۲	۲۵/۵	۱۰۰	۹۸
جمع	۱۷/۷	۵۶/۵	۲۵/۸	۱۰۰	۸۰۰
تعداد پاسخگو	۱۴۲	۴۵۲	۲۰۶	۱۰۰	۸۰۰
...	...	...	...	...	...

• این مهم ترین تضادیست که در ذهن کودک در مورد خانه و مدرسه دیده می شود. این تضاد به این معنی است که بر سر ارزش های مثبت و منفی طفل موافقت کامل بین معلم و پدر وجود ندارد. ممکن است که کارهای قابل ستایش کودک را یکی تقدیر و دیگری نفي و سرزنش بکند و برعکس.

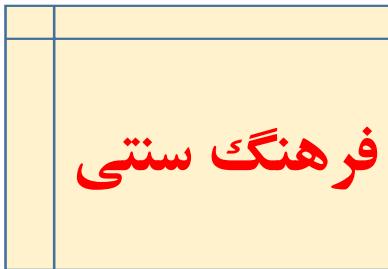
- این وضع موجب عدم ثبات و تزلزل وضع روحی کودک می‌گردد. حالا بینیم این اختلاف دید بین معلم و پدر در ذهن چه کودکانی وجود دارد:
- جدول ۱۴- توزیع نسبی بر حسب شغل پدر

شغل پدر	هیچیک	فقط مادر	مادر با هم	پدر و مادر	جمع تعداد پاسخگو	
کارگر	۱۲/۲	۴۶/۵	۱۰/۷	۲۹/۶	۱۰۰	۱۵۹
کسبه	۹/۵	۴۰/۷	۱۱/۸	۳۸/۰	۱۰۰	۲۶۳
کارمند	۱۰/۴	۳۸/۹	۱۰/۰	۴۰/۷	۱۰۰	۲۸۰
صاحب امور مشاغل عالیرتبه	۹/۲	۲۶/۵	۹/۲	۵۵/۱	۱۰۰	۹۸
جمع تعداد پاسخگو	۱۰/۵	۳۹/۵	۱۰/۶	۳۹/۴	۱۰۰	۸۰۰
	۳۱۶	۸۵		۲۱۵	۸۰۰	

- با وجود این که تفاوت هایی معنی هستند ولی عدم توافق پدر با معلم در خانواده های کارگری بیشتر از خانواده های مرفه است یکی از دلایل این وضع ان است که اگر **تفاوت نظری** در مورد جزیيات کار تحصیلی کودک، بین معلم و پدر تحصیل کرده اش پدید آید یا حل می شود یا در سطح خود آنان باقی می ماند و معمولاً کودک از آن اطلاع نمی یابد.
- در حالی که در خانواده های کارگری توافق کلی وجود دارد و در مورد جزیيات ناسازگاری زود آشکار می شود. اگر برای خانواده های مرفه برنامه های تحصیلی و شرایط داخلی مدرسه اهمیت دارد، بر عکس برای اغلب خانواده های معمولی فقط نفس رفتن به مدرسه کافی است.

## نتیجه

- اگر در فرهنگ سنتی کودک منحصرا تحت فرمان و تاثیر شدید خانواده بود و در صورتیکه به مدرسه می رفت به تناقضی بین نظم فکری خانواده و مدرسه برخورد نمی کرد. امروز دیگر نه تنها زیر نفوذ تربیتی خانواده و مدرسه باقی مانده بکه یادگیری های اجتماعی از طریق وسایل ارتباط جمعی نیز به حوزه تاثیرات خارجی بر کودک افزوده شده است.

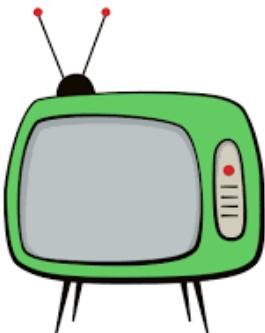


- علاوه بر تعدد منابع پیام، تفاوت آنها و در برخی موارد اختلاف آنها **توازن فکری و روحی** کودکان ما را برابر هم می‌زند و انان را دچار تزلزل و بی‌سازمانی می‌نماید.
- از یک طرف هجوم جوانان به سوی ارزش‌ها مثبت اجتماعی مانند تحصیلات و از طرف دیگر استقبال آنان از پدیده‌های منفی جامعه مانند بزهکاری و استعمال مواد مخدر نشانه عدم تعادل اجتماعی است که خود مرهون تغییر و تحول وضع جامعه است.
- دلیل این مدعای این است که عدم تعادل مزبور در فقرایا اغنایا دیده نشده، بلکه بیشتر در افراد و گروه‌هایی دیده می‌شود که بیشتر به دنبال تغییرات اجتماعی کشانده شده‌اند. (مانند قشرهای متوسط اجتماعی که مرتبا در حال تطورند)

• اگر از این گروه جوانان آماری گرفته شود نشان خواهد داد که اینان بیشتر به طبقات متوسط تعلق دارند. احساس کودکان امروز و جوانان فردا نسبت به کانون خانواده دیگر احساس مطمئن و سخت بنیادی نیست که بتوان بر اساس آن دنیای آینده آنها را بنا نمود. اختلال و بی نظمی در کودکان ما هویدا است بین آنها و والدینشان اختلاف دید به وجود امده است، آگاهی به اختلاف خانوادگی آنان را از جاده آسایش بیرون برد و نقش هایی که به پدر و مادر خود اطلاق می کنند حاکی از دوباره به راه آوردن آنان و یک نوع دعوت ایشان به آرامش است.

- در تمام نظراتی که کودکان در مورد خانواده خود ابراز کرده اند آثار نگرانی و ترس وجود دارد. در مدرسه کودکان از یک نوع تزلزل اجتماعی رنج می برند. در قسمت های مختلف شهر تهران تعداد ساعاتی که دانش آموزان در مدرسه می گذارند، مقدار تکالیفی که می نویسند و چیزهایی که می یاد می گیرند یکسان نیست.

- انگیزه رفتن به مدرسه در بالا و پایین شهر متفاوت است. شرایط تحصیل نه تنها از داخل (خانواده) برای همه یکسان نیست بلکه از خارج (مدرسه) نیز بر حسب موقعیت‌های اجتماعی متفاوت است.
- در برابر تلویزیون (به عنوان موثرترین وسیله ارتباط جمعی) وضع کودکان روشن نیست. با این که تلویزیون تنها موردیست که امکان استفاده یکسان را به همگان می‌دهد نحوه استفاده از تلویزیون از یک طفل به طفل دیگر، از یک خانواده به خانواده دیگر و از یک محله به محله دیگر تفاوت می‌کند.



- کنترل خانواده ها بر اطفال خود به اشکال مختلف صورت می گیرد.
- شرایط اجتماعی خانواده کودک در وضع زندگی وی به **تأثیر کلی و عمیق** دارد. کودکان امروز به عدم تساوی شرایط خود واقفند و به عدم هماهنگی بین نیروهایی که در مورد آنان تصمیم می گیرند نیز آگاهند.
- تناقضات و تضادها در روش ها و پیام های آموزشی و پرورشی و تفریحی فقط منحصر به تحول فرهنگی نیست بلکه در داخل فرهنگ جدید نیز وجود دارد.
- از طرفی ایجاد جامعه مصرفی و شیوع فکر مصرف در جامعه (که تلویزیون آن را رواج می دهد) طفل را زیر سلطه می گیرد.

• از طرف دیگر افکار جامعه دانش ها که اساسا غربی است و مدرسه آنها را تزیع می نماید کودک را تحت تاثیر قرار می دهد. از یک طرف خانواده فرزندان را به عقب می کشد و آنها را از زندگی خیابانی منع می کند از طرف دیگر محلات و روزنامه ها و دوستان و تلویزیون آنها را به آزادی فکر و عمل دعوت می نمایند. کودکان تهرانی در چنین محیط ناهمانگ و ناموزونی رشد می کنند و به یادگیری های اجتماعی می پردازند و در این شرایط است که حفظ هماهنگی بین پیام های گوناگون غربی، شرقی، صنعتی و سنتی برای حفظ سلامت فکری کودکان ضروری می گردد.

## محیط ناهمانگ و ناموزونی